

ما، پنجره و رنج های آن طرف خیابان

(در باب تن فروشی)



توجه و نگرانی نسبت به درد و رنج های انسانی، بخشی از ذات و سرشت همه ی ما انسان-هاست. چنین دغدغه ای هر یک از ما را بر آن می دارد که بپرسیم: چرا گروهی از انسان ها در وضعیت و شرایطی دردآور و فرو بسته قرار دارند؟ و برای رفع چنین رنجی چه باید کرد و من در این میانه چه سهمی دارم؟

"تن فروشی"، مسئله ای اجتماعی نیز هست و برای داشتن جامعه ای سالم و انسانی، لازم است که عوامل و شرایطی که سبب ساز شکل گیری این آسیب هستند را شناخته و راهکارهایی برای اصلاح وضعیت بیابیم.

تمامی جوامع در طول تاریخ، به گونه های مختلف با مسئله ی تن فروشی مواجه بوده اند. در جامعه ی ما نیز، در سال های اخیر، معضلاتی چون فرار دختران، قاچاق دختران ایرانی به کشورهای عربی و مسئله ی زنان خیابانی، خود را به نحو پررنگ تری نشان داده اند. روند رو به رشد این گونه آسیب ها که گریبان گیر برخی از زنان و دختران جامعه ی ما شده است، وجدان های بسیاری را متأثر کرده و ضرورت انجام اقدامی اصولی و فراگیر را آشکار نموده است.

چشم فرو بستن بر این امور، علاوه بر آن که بی تفاوتی را در جامعه نهادینه و همه گیر می کند، سبب خواهد شد که دختران و خواهران ما با سرعت بیشتری به کام این باتلاق کشیده شوند.

در میان مردم و مسئولان جامعه ی ما، دو رویکرد کلی نسبت به زنان تن فروش وجود دارد:

رویکرد نخست، تن فروشی را صرفاً گناهی اخلاقی دانسته و به زنان تن فروش همچون افرادی بی بند و بار و مجرم می نگرد. در این دیدگاه، به عوامل و زمینه های سوق دهنده به تن فروشی توجهی نمی شود و راهکاری که برای مقابله با این معضل در نظر گرفته می شود، قهری و تنبیهی است. استفاده از نیروهای انتظامی و قضائی برای جمع آوری و دستگیری این زنان، به زندان افکندن و دیگر مجازات های سنگین، از اقداماتی هستند که بر اساس این رویکرد صورت می گیرند. رویکرد دوم، به عوض آن که بخواهد به حذف زنان تن فروش و پاک کردن جامعه از وجود آن ها بیندیشد، سعی دارد با نگاهی همدلانه تر به وضعیت آنها بنگرد و از منظری محبت-محور در پی اصلاح و بهبود وضعیت باشد. در این رویکرد، زمینه های وقوع تن فروشی شناخته می شوند و سعی می شود تا با تغییر عوامل زمینه-ساز، هم بازگشت زنان تن فروش به جامعه میسر گردد و هم از ایجاد و رشد این پدیده، پیشگیری به عمل آید.

طبیعتاً سهم اخلاقی ای که هر یک از ما انسان ها در انتخاب های زندگی مان داریم را نباید نادیده گرفت و یک تن فروش را صرفاً قربانی منفعل شرایط زیستی منحرف کننده و دردناک نباید پنداشت؛ اما این نیز واقعیتی مسلم است که "انتخاب درست"، به پیش زمینه هایی همچون عقل رشدیافته، آگاهی، امنیت روانی و حضور افراد یا امکانات حمایتگر اجتماعی وابسته است؛ اموری که در میان این زنان و نیز والدین، خانواده، معاشرین و امکانات اجتماعی طبقه ای که ایشان از آن برخاسته اند، به شدت نایاب است.

نوشته حاضر سعی نموده است تا خود را به رویکرد دوم نزدیک کند. سرفصل ها و بخش های این متن از این قرارند:

- ۱- تعریف مسئله
- ۲- چه عواملی در پیدایی پدیده تن فروشی مؤثرند؟
- ۳- آسیب های ناشی از تن فروشی
- ۴- کدام نهاد مسئولیت زنان تن فروش (خیابانی) را می پذیرد؟
- ۵- قوانین مرتبط با تن فروشی

تاریکی را نفرین کن؛
شمعی برافروز

۱- تعریف مسئله:

به زنی تن‌فروش (روسپی یا خیابانی) می‌گویند که در قبال دریافت پول، کالا، خدمات و یا به امید دریافت حمایت اقتصادی، اجتماعی و ...، خارج از چارچوب قوانین اجتماعی یا قوانین دینی، رابطه جنسی برقرار می‌کند.

همچنین ناچاری در اقدام به برقراری رابطه جنسی خارج از چارچوب، در قبال تامین سرپناه، امنیت، رفع یک شب خماری و یا یک لقمه نان نیز از مصادیق تن‌فروشی است. تن‌فروشی فقط مختص زنان نیست؛ کودکان و مردان (مردان برای مردان، مردان برای زنان) نیز ممکن است به تن‌فروشی روی آورند.

بر اساس یکی از اندک آمارهای رسمی منتشرشده، در سال ۸۵ در کشور ۳۰۰۰۰۰ زن تن‌فروش داشته‌ایم. (ر.ک به پیوست شماره ۲)

سعید مدنی، پژوهشگر آسیب‌های اجتماعی معتقد است که کلمه ی "روسپی" واجد بار معنایی منفی برای این زنان است و بنا به دغدغه های اخلاقی باید از کاربرد این کلمه خودداری کنیم. مدنی، کلمه ی "تن‌فروش" را اصطلاح مناسب-تری می‌داند. بنا به دیدگاه این پژوهشگر، در سطح جهانی و خصوصاً در ادبیات پژوهشی از کلمه کارگر جنسی (Sex Worker) استفاده می‌شود اما بکارگیری این واژه مستلزم قائل شدن مشروعیت برای این روش کسب درآمد است که پایه نظری آن لیبرالیسم است..

۲- چه عواملی در پیدایی پدیده تن‌فروشی مؤثرند؟

الف- خانواده نابسامان و آسیب‌زا:

بر اساس یکی از تحقیقات، بیش از یک سوم زنان تن‌فروش مورد مطالعه، دوران کودکی و نوجوانی خود را بدون حضور مشترک پدر و مادر سپری کرده‌اند (به علت طلاق والدین به شکل قانونی یا سایر اشکال جدایی).^۲ اعتیاد پدر و گاه مادر، علت عمده‌ی جدایی والدین زنان تن‌فروش بوده است. سایر زنان تن‌فروش نیز، اگرچه فرزند طلاق نیستند، اما خانواده‌های آنان با آسیب‌ها و مسائل مختلفی دست به گریبان بوده‌اند؛ مسائلی مانند مصرف مواد مخدر، بیکاری، مهاجرت برای یافتن کار و شرایط اقتصادی نابسامان. به طور کلی، چنین مسائلی در خانواده‌ی زنان آسیب‌دیده از تن‌فروشی، بیش از خانواده‌های زنان معمول جامعه دیده می‌شود.

مهاجرت، یکی از عواملی است که افراد را با بحران‌های مختلفی مواجه می‌نماید. برخی دختران (و یا خانواده‌ی آنها) ممکن است به علت تحصیل، کار یا به علل از این قبیل، به مناطقی مهاجرت کنند که در آنجا الگوی رفتاری بسیار متفاوت از هنجارهای مکان قبلی باشد. در چنین شرایطی آنها ممکن است در مورد ارزش-هایی که می‌بایست در زندگی انتخاب کنند، دچار سردرگمی شوند، مهارت‌های زندگی در محیط جدید را نداشته و هیچ فرد و یا نهادی نیز به توانمندسازی آنها برای روبرو شدن با شرایط جدید نپردازد. چنین وضعیتی می‌تواند زمینه‌ساز کشیده شدن فرد به سمت آسیب‌های مختلفی شود.

تقریباً نیمی از کودکان و زنان تن‌فروش در محلی غیر از تهران متولد شده بودند و احتمالاً بعدها به این کلان شهر مهاجرت کرده‌اند. در چنین مهاجرت‌هایی، نظارت اجتماعی به ویژه نظارت غیررسمی اعم از نظارت خانواده و گروه دوستی به شدت کاهش می‌یابد. این در حالی است که بسیاری از مسائل تربیتی و مهارت‌های ارتباطی نیز برای فرد، درونی نشده اند تا در فقدان نظارت خارجی، خود فرد بتواند به انتخاب درست برسد. محمد نفریه، مدیرکل سابق بهزیستی استان تهران در گفت‌وگو با روزنامه ی شرق درباره وضعیت زنان خیابانی گفته است: "بیش از ۵۰ درصد زنان خیابانی [تهران]، شهرستانی هستند که عمدتاً از ترمینال‌ها وارد شده اند درحالی که اکثر دختران و زنان در معرض آسیب ساکن تهران هستند."^۳

۴۴ درصد از این زنان نیز خود را در خانواده، افراد کم‌ارزشی می‌دانند و دچار کمبود توجه و محبت هستند.^۴ نیاز روان‌شناختی به پذیرفته شدن، دوست داشته شدن، ارزشمند و مفید بودن و ... نیازهایی هستند که بی‌پاسخ ماندن آنها در چنین خانواده‌هایی، فشاری به سمت تن‌فروشی می‌آورد. البته این مسئله تنها مختص به خانواده‌های اقشار پایین جامعه نیست، بلکه خانواده‌های طبقات بالای اجتماعی نیز، اگرچه نیازهای مادی را تا حد بیشتری برآورده می‌کنند، اما در آنجا نیز، نیازهای روان‌شناختی بی‌پاسخ، افراد را به سمت روابط بعضاً خارج از هنجار و آسیب‌زا سوق می‌دهد. اما چون افراد چنین خانواده‌هایی نیاز مادی شدید ندارند و برای این کار (مستقیماً) پولی دریافت نمی‌کنند، در فضای فکری-هنجاری موجود، در فضای فکری-هنجاری موجود، "تن-فروش" تلقی نمی‌شوند و در پژوهش‌ها نیز جزء تن‌فروشان برشمردن نمی‌شوند.

بررسی وضعیت والدین زنان تن‌فروشی که در کودکی (زیر ۱۸ سالگی) به تن‌فروشی روی آورده‌اند، نشان می‌دهد که ۳۷/۵ درصد آنها پدری بی‌سواد، ۶۶ درصد پدری معتاد، ۳۳ درصد پدری سابقه‌دار و ۲۰ درصد هم مادری معتاد داشته‌اند. ۷/۷ درصد از این افراد، مادری تن‌فروش داشته‌اند.

(سعید مدنی، پیام روشنفکر، هما مداح؛ پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۱۳. رجوع کنید به پاورقی شماره ۱۲)

(۲) "ازدواج نامناسب؛ بستری زمینه ساز برای روسپی‌گری"، شهین علیایی زند، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۵، سال دوم، شماره ی ۵، ص ۱۲۸.

(۳) روزنامه شرق، شماره ۷۰۷، به تاریخ ۸۴/۱۲/۷، صفحه ۲۶ (جامعه).

(۴) «روسپی‌گری، کودکان خیابانی و تکدی؛ مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران»، انجمن جامعه‌شناسی ایران، مقاله ی "عوامل زمینه ساز تن دادن زنان به روسپی‌گری"، شهین علیایی زند، نشر آگه، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۲۸.

ب- سطح پایین سواد و سن پایین ازدواج:

در دنیای امروزی نهادهای سازمان‌ها، روابط انسانی و اغلب پدیده‌های اجتماعی پیچیده‌اند و برای کودکان و نوجوانان، ورود به دنیای بزرگسالی مستلزم کسب مهارت‌های بسیاری می‌باشد. آموزش و محیط‌ها و روابط آموزشی رسمی، تا حدودی افراد را برای زیستن در فضاهای اجتماعی معمول توانمند می‌سازند. اما با تحلیل داده‌های موجود می‌توان فهمید که اغلب زنان تن‌فروش از آموزش و تحصیلات رسمی بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند.



۴۴ درصد از دختران و زنان تن‌فروش، قبل از ۱۳ سالگی و در کل ۸۸ درصد از آن‌ها قبل از ۱۷ سالگی ازدواج کرده‌اند.^۵ با توجه به سن ازدواج بسیار پایین ازدواج در میان زنان تن‌فروش، جای تعجب نیست که سواد آنها اغلب در سطح پایینی باشد. به عنوان مثال یافته‌های یکی از تحقیقات نشان داده که ۷۸ درصد از این زنان سوادشان در حد راهنمایی و پایین‌تر است.^۶ از آنجا که یکی از ابتدایی‌ترین لوازم کسب درآمد مشروع و بهنجار در جامعه‌ی ما داشتن تحصیلات است و اکثر زنان تن‌فروش از این وسیله محروم‌اند، چنین محرومیتی بدان معنا نیز خواهد بود که در صورت تمایل به انصراف از این شیوه‌ی زندگی، آنها نه تنها از سوی خانواده و جامعه مورد پذیرش

و حمایت قرار نمی‌گیرند بلکه از وجود مهارتی برای کسب درآمد مشروع هم بی‌بهره‌اند. این در حالی است که اغلب آن‌ها حتی سرپناهی امن هم ندارند. در تحقیقی که در چند کشور انجام گرفته است، ۷۲ درصد از زنان تن‌فروش بی‌خانمان بوده‌اند.^۷

دختر جوان تن‌فروش، منتظر مشتری، در منطقه‌ی "نور قرمز" (نام مستعار محله‌های روسپی‌گری)، شهر مومبای، کشور هند

ج- اعتیاد و سطح پایین سواد همسران زنان تن‌فروش:

۵۴ درصد از شوهران زنان روسپی یا معتاد بوده‌اند یا در قاچاق مواد مخدر دست داشته‌اند.^۸ هم چنین، ۱۱/۵ درصد از همسران زنان تن‌فروش، خود مروج روسپی‌گری و واسطه‌گر فحشا بوده‌اند.^۹ سطح سواد تقریباً دو سوم از شوهران زنان تن‌فروش در سطح راهنمایی و کم‌تر از آن است.^{۱۰} درآمد ناکافی خانواده، سواد پایین افراد، بی‌بهره بودن اعضای خانواده از مهارت و حرفه‌ای برای کسب درآمد کافی، ضرب و شتم و خشونت در میان اعضای خانواده و ... از مشخصه‌های همیشگی زندگی مشترک بسیاری از این زنان است.

د- سوء استفاده جنسی در کودکی:

بر اساس برخی تحقیقات انجام شده، از هر ۴ زن روسپی در کشور ما، ۱ نفر در کودکی مورد سوءاستفاده‌ی جنسی قرار گرفته است و در بسیاری موارد، سوءاستفاده‌کنندگان از محارم (پدر، برادر، دایی و ...) بوده‌اند.^{۱۱} بنا بر تحقیقی دیگر، نیمی از (۴۸/۶ درصد) کودکان روسپی شده، قبل از تن‌فروشی، مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند و در حدود ۴۰ درصد موارد، سوءاستفاده‌کننده، از خانواده یا اقوام درجه یک دختر بوده است.^{۱۲} افرادی که در خانواده، بدرفتاری جسمی و بهره‌کشی جنسی را تجربه کرده‌اند، از لحاظ روانی مستعد می‌شوند تا سوء استفاده‌های بعدی را بپذیرند. به خصوص سوءاستفاده جنسی در کودکی، موجب می‌شود دختران خود را بی‌ارزش تصور کنند و آمادگی پذیرش هویت تن‌فروش را پیدا کنند.^{۱۳} به گفته دکتر اصلان ضرابی (روانپزشک)، افسردگی و اختلالات شخصیت حاصل از آزارهای جنسی توسط محارم در دوران کودکی، یکی از بارزترین بیماری‌های روحی پیش از تن‌فروشی این زنان هستند و از آنجا که این زنان در ارتباط با افراد و مشتریانی قرار می‌گیرند که اغلب‌شان شخصیت‌هایی بیمارگونه و ضداجتماعی دارند، خطر بالایی برای در معرض خشونت قرار گرفتن، آن‌ها را تهدید می‌کند و مشکلات روانی این زنان پس از تن‌فروشی افزایش می‌یابد.^{۱۴}

ه- فقر و نابرابری‌های اجتماعی

(۵) "ازدواج نامناسب؛ بستری زمینه ساز برای روسپی‌گری"، ص ۱۲۴.

(۶) همان، ص ۱۲۴.

(۷) ملیسا فارلی، "روسپی‌گری؛ تجاوزی مسلم به حقوق بشر"، ترجمه مهدیس کامکار، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۱، سال دوم، شماره ۶، ص ۲۷۲.

(۸) علیایی زند، ۱۳۸۶، ص ۳۳.

(۹) علیایی زند، ۱۳۸۶، ص ۳۳.

(۱۰) "ازدواج نامناسب؛ بستری زمینه ساز برای روسپی‌گری"، ص ۱۲۶.

(۱۱) همان، ص ۱۳۰.

(۱۲) "مقایسه برخی ویژگی‌های روسپی‌های بزرگسال و کودک در شهر تهران"، سعید مدنی، پیام روشن‌فکر، هما مداح، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره سوم، پاییز ۸۹، ص ۱۱۳.

(۱۳) میکائیل (۲۰۰۲) و کاپلان (۱۹۸۴)، ر.ک به منبع پیشین، ص ۱۰۶.

(۱۴) <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=۱۴۳۹۴۱>

نابسامانی اقتصادی ممکن است کسانی که در معرض فقر و نابرابری قرار دارند را متمایل به جرم نماید. طبقه محروم در یک جامعه، به دنبال شیوه های دستیابی به منزلت اجتماعی است. در جامعه‌ای که میل به آسایش و رفاه، هر روز، به ویژه در تبلیغات تجاری، دامن زده می‌شود و منزلت اجتماعی بر طبق آن تعریف می‌گردد، عجیب نیست اگر در طبقات محروم احساس ناکامی و سرخوردگی ایجاد شود و بسیاری از آنها برای کسب چنین منزلتی به هر شیوه‌ای متوسل شوند. تن-فروشی برای برخی از دختران طبقه‌ی محروم، یکی از شیوه های رسیدن به امکانات مادی و زندگی مرفه‌تر است.^{۱۵}

بنا به گفته برخی محققان، تعداد زیادی از زنان تن‌فروش برای گریز از نابرابری تن به این کار می‌دهند. آنها از یک سو از وضع خود ناراضی هستند و از سوی دیگر راه‌های متعارف و قانونی برای دستیابی به یک زندگی بهتر در برابر آنان وجود ندارد. از این رو، در بسیاری موارد، انگیزه‌ی تن‌فروشی بیش از آن‌که به رفع فقر نظر داشته باشد، به رفع نابرابری و بی‌عدالتی معطوف است. در واقع، چون ساختار اقتصادی-اجتماعی امکان فرصت های برابر و مشارکت این زنان در زندگی اجتماعی را فراهم نمی‌کند، آن‌ها می‌خواهند از هر طریق ممکن راه خودشان را، نه برای خروج از فقر بلکه برای رسیدن به وضعیت زندگی طبقه مرفه‌تر، باز کنند.^{۱۶}

۳- آسیب‌های ناشی از تن‌فروشی:

الف- بیماری‌های مقاربتی:

در کشور ما، زنان تن‌فروش، خود را برای استفاده از کاندوم محق نمی‌دانند و در صورت اصرارشان برای استفاده از کاندوم پولی که دریافت می‌کنند بسیار کم‌تر خواهد شد. هم چنین اغلب آنها اطلاع چندانی از بیماری‌های مقاربتی ندارند. این در حالی است که بر اساس اعلام سازمان جهانی بهداشت، به دلیل ساختار فیزیولوژیک بدن زن، احتمال سرایت ایدز از مردان به زنان بیشتر از احتمال سرایت از زنان به مردان است.^{۱۷}



ب- بیماری‌ها و مشکلات روحی-روانی:

بر اساس تحقیقات ملیسا فارلی از ۴۷۵ زن تن‌فروش در پنج کشور جهان (آمریکا، زامبیا، ترکیه، تایلند و افریقای جنوبی)، ۷۵ درصد از زنان تن‌فروش خیابانی خودکشی کرده‌اند (برخی موفق و برخی ناموفق). طبق گزارش‌های بیمارستانی، ۱۵ درصد خودکشی‌های موفق از سوی زنان تن‌فروش بوده است.^{۱۸}

بر اساس تصور عامیانه، زنان تن‌فروش به میل خود به روسپی‌گری روی می‌آورند و از وضعیت خود راضی بوده و لذت می‌برند. اما در حقیقت، این زنان مسائل حاد روحی-روانی‌ای دارند که به شدت از آن‌ها در رنج اند.

بسیاری از زنان تن‌فروش، دچار علائم اختلال اعصاب "PTSD"^{۱۹} هستند. این اختلال یک واکنش روانشناختی به آسیب و صدمه شدید فیزیکی و روانی است و با اضطراب، افسردگی، بی‌خوابی و تحریک‌پذیری همراه است. فرد مبتلا، همواره در حالتی از گوش به زنگی و هوشیاری فیزیکی و عاطفی قرار دارد. افراد دیگری که از این اختلال رنج می‌برند سربازان جنگ، قربانیان تجاوز جنسی، زنان کتک‌خورده و مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازماندگان شکنجه‌های حکومتی هستند. زنان تن‌فروش، هنگام به یادآوردن تجربه های خود، شدیداً دگرگون و ناراحت می‌شوند و از به یادآوردن وقایع می‌پرهیزند؛ در عین حال افکار، رویاها، تصاویر و خاطرات آزاردهنده مربوط به حوادث گذشته مکرراً به سراغ شان می‌آید. آن‌ها از سایر افراد فاصله می‌گیرند و احساس جدایی می‌کنند؛ نمی‌توانند به راحتی تمرکز کنند؛ حالت تدافعی دارند و واکنش‌های ناگهانی و انفجاری خشم را بروز می‌دهند.

بر اساس همان تحقیق، ۶۷ درصد از زنان تن‌فروش، علائم PTSD را دارا هستند و نیز ۹۲ درصد از زنان تن‌فروش اعلام کرده‌اند که مایل به ترک روسپی‌گری هستند.^{۲۰}

تداوم خشونت و توهین نسبت به چنین زنانی، موجب واژگونی شخصیت آن‌ها می‌شود: احساس تنفر از خود، تلاش برای خودتخریبی و انتقام گرفتن از خود، عدم عزت نفس، میل به خودکشی و... این تغییرات شخصیتی، PTSD پیچیده یا کمپلکس نامیده می‌شود.

توصیف صدمات روحی ناشی از تن‌فروشی از زبان یک دختر ۱۴ ساله چنین است:

«احساس می‌کنی یک تکه گوشت غذا هستی، ریز ریز شده و به زور تکه‌های وجودت در کنار هم نگه داشته شده است...»

۱۵) شرافتی پور، ۱۳۸۴، «بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی دانشگاه علوم انتظامی؛ ص ۱۱۲-۱۱۴.

۱۶) سعید مدنی و ...، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۰۶.

۱۷) برگرفته از سایت "ایران اچ آی وی" (http://iranhiv.com/?page_id=534).

۱۸) ملیسا فارلی، "روسپی‌گری؛ تجاوزی مسلم به حقوق بشر"، ص ۲۷۱.

۱۹) Post Traumatic Stress Disorder: اختلال اضطرابی پس-آسیبی.

۲۰) ملیسا فارلی، "روسپی‌گری، خشونت و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)"، ترجمه مهدیس کامکار، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۱، سال دوم، شماره ۵، ص ۲۳۹.

یکی از زنان تن فروش در این باره می گوید: «حالا دیگر تنها سرم به من تعلق دارد؛ من بدنم را در خیابان جا گذاشته ام.» زن تن فروش دیگری در توصیف خود می گوید: «این کار یک روند فقهقراپی دارد؛ به تدریج در عمق یک درماندگی و ناامیدی فرو می روی و احساس مردگی و بی حسی کامل می کنی. دیگر قادر به درک احساسات خوب نیستی، چون مدام به عنوان یک آبریزگاه استفاده می شوی.» ۴۱ درصد از زنان تن فروش مورد مطالعه ی فارلی، علاوه بر بیماری ها و آسیب های روحی یادشده، دچار ناراحتی روحی و آشفتگی ناشی از اجبار برای تهیه فیلم و یا عکس برهنه (پورنوگرافی) بوده و ۴۶ درصدشان وادار به این کار در حین عمل جنسی شده اند.^{۲۱}

ج- خشونت: یکی از مشخصه های همیشگی زندگی زنان تن فروش، قرار داشتن در معرض خشونت است. آنها چنین خشونت را، چه در سنین کودکی و در خانواده ای که در آن به دنیا آمده اند و چه پس از ازدواج و در کنار همسر خود، تجربه کرده و از آن رنج می برند. در ادامه ی زندگی و پس از روی آوردن به تن-فروشی نیز آنها در ارتباط با افراد و مشتریانی هستند که اغلبشان شخصیت های ضداجتماعی ای دارند و این امر سبب می گردد که به میزان زیاد و به اشکال مختلف، در معرض خشونت های فیزیکی و روان شناختی قرار بگیرند. جدول ۱، گویای برخی آمارها در مورد خشونت های آسیب زا و معضلاتی است که آنها پیش از تن فروش تجربه کرده و از آن رنج برده اند. جدول ۲، خشونت هایی را بازگو می کند که این زنان پس از روی آوردن به تن فروشی، در معرض آنها قرار گرفته اند. در نهایت، جدول ۳، برخی از مهم ترین انتظارات و حمایت های مورد درخواست زنان تن فروش را نشان می دهند.^{۲۲}

❖ جدول ۱: خشونت ها و آسیب ها در زندگی زنان تن فروش

آفریقای جنوبی	تایلند	ترکیه	امریکا	زامبیا	
۶۶٪	۴۸٪	۳۴٪	۵۷٪	۸۴٪	قربانی سوءاستفاده جنسی در کودکی
۳ نفر	۳ نفر	۲ نفر	۳ نفر	۸ نفر	تعداد افرادی که در کودکی از آنها سوءاستفاده جنسی کرده اند
۵۶٪	۴۰٪	۵۶٪	۴۹٪	۷۱٪	صدمه یا ضرب و شتم فیزیکی در کودکی توسط مراقب
۴۶٪	۷۱٪	۶۰٪	۵۰٪	۷۶٪	زنانی که مورد آسیب دیدگی جسمی قرار گرفته اند
۷۳٪	۵۶٪	۵۸٪	۸۴٪	۸۹٪	بی خانمانی (در حال حاضر یا در گذشته)
۴۳٪	۵۶٪	۶۴٪	۲۷٪	۷۲٪	سوء مصرف الکل
۴۶٪	۳۹٪	۴۶٪	۷۵٪	۱۶٪	سوء مصرف مواد مخدر

❖ جدول ۲: خشونت هایی اعمال شده بر زنان پس از روی آوردن به تن فروشی

آفریقای جنوبی	تایلند	ترکیه	امریکا	زامبیا	
۷۵٪	۴۷٪	۹۰٪	۱۰٪	۹۳٪	تهدید شدن فیزیکی
۶۸٪	۵۵٪	۶۸٪	۷۸٪	۸۶٪	تهدید شدن با اسلحه
۶۶٪	۵۷٪	۸۰٪	۸۲٪	۸۲٪	تهاجم فیزیکی
۵۷٪	۳۵٪	۵۰٪	۹۸٪	۷۸٪	تجاوز
۵۸٪	۱۶٪	۳۶٪	۴۸٪	۵۵٪	تجاوز بیش از ۵ بار
۵۶٪	۳۹٪	۲۰٪	۳۲٪	۴۷٪	ناراحتی و آشفتگی از اجبار به تهیه فیلم و عکس برهنه
۴۰٪	۴۷٪	-	۴۹٪	۴۷٪	تهیه عکس در حین عمل تن فروشی

(۲۱) "روسی گری، خشونت و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)"، ص ۲۴۵.

(۲۲) هر سه جدولی که در ادامه می آیند برگرفته اند از منبع پیشین (ملیسا فارلی، "روسی گری، خشونت و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)"، صفحات ۲۴۶ و ۲۴۸.

افریقای جنوبی	تایلند	ترکیه	امریکا	زامبیا	
% ۸۹	% ۹۴	% ۹۰	% ۸۸	% ۹۹	ترک تن‌فروشی
% ۷۲	% ۶۰	% ۶۰	% ۷۸	% ۹۴	داشتن سرپناه
% ۷۵	% ۵۷	% ۴۶	% ۷۳	% ۹۷	آموزش شغلی
% ۴۶	% ۳۲	% ۶	% ۶۷	% ۳۷	درمان اعتیاد به الکل یا مواد مخدر
% ۶۹	% ۴۳	% ۳۸	% ۵۸	% ۸۸	مراقبت‌های بهداشتی
% ۵۸	% ۴۹	% ۲۴	% ۵۰	% ۶۳	حمایت گروهی
% ۶۱	% ۶۸	% ۴۶	% ۴۸	% ۵۳	مشاوره فردی
% ۶۱	% ۶۰	% ۱۲	% ۴۹	% ۴۱	آموزش دفاع از خود
% ۴۸	% ۴۵	% ۲۰	% ۳۴	% ۸۷	مراقبت از کودک
% ۳۳	% ۲۱	-	% ۲۸	% ۴۱	حمایت فیزیکی در مقابل قوآدها
% ۵۸	% ۵۸	-	% ۴۳	% ۵۴	حمایت قانونی

د- اعتیاد^{۲۳}:

رابطه ای قوی میان تن‌فروشی و اعتیاد وجود دارد. اداره‌کنندگان روسپی‌خانه‌ها و قوآدها در اولین اقدام، افراد تازه‌کار و دختران فراری را معتاد می‌کنند تا آنان را وابسته و مطیع سازند. زنان تن‌فروش، خود نیز ممکن است برای تحمل وضعیت سخت خود و فراموشی آنچه در آن هستند، به مواد مخدر و روان‌گردان پناه ببرند. از هر سه زن تن‌فروش، دو نفر به مواد مخدر اعتیاد دارند: ۲۴ درصد آن‌ها پیش از آغاز تن‌فروشی و ۴۴ درصد پس از شروع تن‌فروشی معتاد می‌شوند. از هر سه زن تن‌فروش، دو نفر به مواد مخدر اعتیاد دارند: ۲۴ درصد آن‌ها پیش از آغاز تن‌فروشی و ۴۴ درصد پس از شروع تن‌فروشی معتاد می‌شوند. طبیعی است که برای بسیاری از این زنان، کسب درآمد برای خرید مواد مخدر خود و همسرشان، یکی از نگرانی‌های اساسی زندگی به شمار می‌آید.^{۲۴}

زنگ خطر

- ◀ از هر ۴ زن تن‌فروش در ایران، ۱ نفر در کودکی توسط پدر، برادر یا دایی، یعنی یکی از محارم، مورد سوءاستفاده جنسی و یا تجاوز قرار گرفته است. (ر.ک به پاورقی شماره ۱۱)
- ◀ بیش‌ترین تعداد زنان خیابانی دستگیر شده را دختران ۱۵ تا ۲۵ سال تشکیل می‌دهند. (ر.ک به پیوست شماره ۴)

(۲۳) در مورد شواهدی از رابطه ی اعتیاد و تن‌فروشی، ر.ک به پیوست شماره ۳.

(۲۴) علیایی زند، ۱۳۸۶، جدول، ص ۳۳.

۴- کدام نهاد مسئولیت زنان تن فروش (خیابانی) را می پذیرد؟

روان شناسان تأکید دارند که برخورد با زنان تن فروش، باید به نحو تخصصی، مددکارانه و به شیوهی تربیت اصلاحی انجام گیرد تا به این افراد، برای رفع آسیب‌هایی که به آنها وارد شده، کمک شود و برایشان امکان بازگشت به زندگی عادی فراهم گردد.

در جامعه ما، نوع نگاه و برخورد رایج نهادها و مردم با مسئله‌ی تن‌فروشی، نگاهی مجرم-مدار است که در پی خود، برخوردی قهری و تنبیهی را به دنبال دارد؛ نیروی انتظامی به جمع‌آوری زنان تن‌فروش می‌پردازد و بهزیستی به عنوان پشتیبان، در بهترین حالت، فقط جایی برای اسکان و ساماندهی آنها فراهم می‌نماید.

پیش قدم شدن نیروی انتظامی در برخورد با زنان خیابانی از این منظر و در نتیجه‌ی این باور بوده است که "آنان، مجرم و مخل نظم اجتماعی هستند و نیروی انتظامی موظف است که امنیت و نظم را برای شهروندان فراهم آورد". چنین شیوه‌ای، ممکن است در کوتاه مدت و با برخوردهای مقطعی، منجر به پاکسازی چهره شهر از وجود زنان و دخترانی شود که جامعه رفتار آنان را بر نمی‌تابد، اما این حذف فیزیکی و ظاهری، علاوه بر اینکه با وظیفه‌ی انسانی و دینی ما سنخیتی ندارد، به معنای حل شدن مسئله و محو پدیده تن‌فروشی نیز نیست. علی‌رغم انجام مکرر چنین برخوردهایی در طی سال‌های گذشته، مسئله هم‌چنان پابرجاست و گاه ابعاد وخیم‌تری یافته است. در سال‌های گذشته تعداد زنان و دخترانی که جذب باندهای بی‌شمار فحشا شده‌اند افزایش یافته و سن شروع تن‌فروشی کاهش پیدا کرده است. هم‌چنین، با انجام چنین برخوردهای امنیتی و قضائی با این زنان، فعالیت و حضور آنان به شبکه‌های زیرزمینی و مخفی هدایت شده و اقدامات آنان در چهاردیواری خانه‌ها پنهان گشته است که نتیجه‌ی آن آسیب‌پذیری هر چه بیشتر زنان و دختران جذب شده است.

علاوه بر مسئله‌ی رویکرد و نوع نگاه به این آسیب اجتماعی، در کشور ما، رسیدگی به زنان تن‌فروش پیچیدگی‌ها و مشکلات دیگری نیز دارد: هیچ کدام از نهادها خود را موظف و متعهد به این امر نمی‌دانند که به دنبال پیشگیری از این مسئله و رسیدگی به زنان رنج‌دیده از این آسیب باشند. سردار ساجدی‌نیا، فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ، در مورد زنان خیابانی گفته است: "پلیس می‌تواند در یک هفته تمام زنان خیابانی را که به صورت علنی مرتکب جرم می‌شوند جمع‌آوری کند، به شرط آن که دستگاهی مسئولیت این گروه از زنان را به عهده بگیرد؛ اما هیچ سازمانی چنین مسئولیتی را به عهده نگرفته است."^{۲۵}

مسئولان، سازمان بهزیستی را مسئول ساماندهی زنان خیابانی می‌دانند. اما سازمان بهزیستی در این زمینه با مشکلات زیادی روبرو است. در این باره که کدام سازمان‌ها مسئول ساماندهی و بازپروری زنان خیابانی در جهت ممانعت از بازگشت مجدد آنان به تن‌فروشی هستند، دکتر محمد نفریه، مدیر کل بهزیستی استان تهران در سال ۱۳۸۴، می‌گوید: «سازمان بهزیستی به هیچ وجه متولی آسیب‌های اجتماعی نیست؛ چرا که فقط خروجی آسیب‌ها برعهده این سازمان بوده؛ در حالی که برای پیشگیری از آسیب‌ها باید توسط سایر دستگاه‌ها برنامه‌ریزی شود. استانداری‌ها، قوه قضائیه، وزارت بهداشت، سازمان بهزیستی و شهرداری‌ها صرفاً متولی خروجی آسیب‌های اجتماعی هستند در حالی که کنترل ورودی و مبادی با دستگاه‌هایی همچون وزارت ارشاد، آموزش و پرورش، وزارت کار، وزارت اقتصاد و دارایی و وزارت بازرگانی است که با فرهنگ و باورهای مردم سروکار دارند و نسل آینده را پرورش می‌دهند.»

یکی از مشکلات سازمان بهزیستی برای احداث مراکز نگهداری زنان آسیب‌دیده، مشکلات مردمی است. نفریه در این باره می‌گوید: «مشکل اصلی ما در ایجاد مرکز و حتی اورژانس‌های اجتماعی، مخالفت اهالی محله با ایجاد این مراکز است. [...] تشکیل

دختران فراری؛ ملحق‌شوندگان به توده زنان خیابانی ظرف ۴۸ ساعت

۹۴/۸ درصد از دختران فراری در ۴۸ ساعت اولیه پس از فرارشان پا به دنیای تن‌فروشی می‌گذارند. برخوردار نبودن از سرپناه علت عمده‌ی این پدیده است. (علیایی زند، ۱۳۸۶، ص ۳۲)

بنا بر گفته‌های رایج، یک زن حداکثر پنج دقیقه از وقت خود را در خیابان منتظر مشتری می‌ماند.

یافته‌های تحقیقی که ۶۵۰ نفر از دختران و زنان تحت پوشش بهزیستی را مورد پژوهش قرار داده بود، نشان می‌دهد که ۵۴ درصد از دخترانی که مرتکب فرار از منزل شده‌اند علت این کار را مشکلات درون خانواده (حتی تجاوز پدر) اعلام کرده‌اند.

آمارهای موجود در خانه ریحانه (یکی از مراکز سرپرستی دختران فراری) نشان می‌دهد که ۷۰ درصد دختران فراری در مقطع تحصیلی راهنمایی هستند.

در کل کشور، بهزیستی تنها ۴۶ خانه سلامت دارد که در آن دختران و پسران فراری را با پذیرش محدود از خیابان‌ها می‌رهانند. آمارهای سازمان بهزیستی نشان می‌دهد که در سال ۸۲، ۳۰۰۰ دختر فراری توسط این مراکز ساماندهی شده‌اند. به طور کلی نیز، در هر ماه ۲۴۰ دختر فراری از سطح کشور به خانه‌های سلامت منتقل می‌شوند اما متأسفانه تعداد واقعی دختران فراری که به توده سیاه زنان خیابانی می‌پیوندند و به سرنوشت آنان دچار می‌شوند بسیار بیشتر از ۲۴۰ نفر در ماه است. مدت اقامت این دختران در خانه‌های سلامت حداکثر شش ماه است که نهایتاً برای یک دوره شش ماهه دیگر قابل تمدید است. بسیاری از آنان به خانواده-هایشان بازگردانده می‌شوند ولی به علت عدم پذیرش از سوی خانواده و شرایط نابسامان درون خانه دوباره راهی خیابان-ها می‌شوند.

منابع:

۱- شرافتی پور، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی شهر تهران، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۱۸۲.

۲- نگاهی به پدیده فرار دختران از خانه و پیامدهای آن،

مریم بصیری و همکاران،

<http://www.hawzah.net>

یک مرکز [نگهداری زنان آسیب‌دیده...] در هر نقطه از تهران و به خصوص در مناطق شلوغ و سنتی شهر، بسیار دشوار است چرا که مقاومت‌های فراوانی در برابر ایجاد این مراکز از سوی اهالی محل و حتی گروه‌های خاص ایجاد می‌شود و متأسفانه نگرش مردم این است که مثلاً در این مرکز زنان ویژه را جای داده اند. با وجود آنکه مراکز ما هیچ گاه برای اهالی محل مزاحمتی ایجاد نکرده اند اما متأسفانه محلات تهران به هیچ وجه پذیرای مراکز ما نیستند.» خود وی در ادامه می‌افزاید: «...من معتقدم که زنان خیابانی افرادی هستند که جامعه به آنان بدهکار است؛ چرا که شرایط جامعه به گونه‌ای بوده که آنان به سمت روسپیگری سوق داده شده‌اند. زنان خیابانی انسان‌هایی هستند که در شرایطی قرار گرفته‌اند که اگر من و شما هم در آن شرایط قرار می‌گرفتیم شاید بهتر از آنها عمل نمی‌کردیم. بارها وقتی بحث جمع آوری زنان خیابانی را مطرح کرده اند من اعتراض کرده ام که "جمع آوری" یعنی چه؟ مگر اینها زباله هستند که جمع شوند؟...»^{۲۶}

زنان تن‌فروشی که به اعتیاد وابستگی ندارند، ترس از تنهایی، محرومیت از محبت و عدم پذیرش اجتماعی، به ویژه از جانب هم‌جنس‌های خود، را علت اصلی استمرار کار خود دانسته‌اند.

علاوه بر این موارد، بهزیستی برای رسیدگی به زنان تن‌فروش، با مشکلات مالی نیز مواجه است. متولیان سازمان بهزیستی اعلام کرده‌اند که فقط تعدادی از زنان خیابانی را می‌توانند پذیرش کنند، زیرا این سازمان بودجه لازم برای نگهداری این زنان را ندارد.^{۲۷} سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس هفتم، سید جواد زمانی، می‌گوید: "در جلسه‌ی بررسی موضوع زنان خیابانی، بهزیستی اعلام کرد که زنان خیابانی جمع آوری شده توسط نیروی انتظامی را تحویل نمی‌گیرد و در صورت تحویل گرفتن نیز امکان نگهداری ۲۰ تا ۲۵ درصد از زنان خیابانی در طول سال را دارد. [...] فرض بر آن که این افراد از سطح شهر جمع آوری شدند، هیچ تدبیری برای نگهداری آنها اندیشیده نشده است [...] هیچ مدل یا راهکاری برای تحصیل، مسکن، اشتغال و ازدواج این فرد تدبیر نشده است و همین مسئله موجب بازگشت او به زندگی قبلی می‌شود."^{۲۸} بارها مسئولان صریحاً از عدم وجود ارگان خاصی برای ساماندهی زنان خیابانی صحبت کرده‌اند و از سازمان‌های مردم‌نهاد خواسته‌اند تا در زمینه ساماندهی این زنان وارد عرصه شوند.

۵- قوانین مرتبط با تن‌فروشی:

• قوانین در ایران:

در قوانین کیفری ایران قبل از انقلاب (مبتنی بر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۳۱۲)، روسپی‌گری رسماً جرم محسوب نمی‌گردید اما معاونت و همدستی با یک زن برای وارد کردنش به این عرصه و راه اندازی فاحشه‌خانه جرم محسوب می‌شد (که البته از ضمانت اجرایی چندانی برخوردار نبود). (ر.ک. به پیوست شماره ۵)

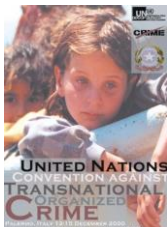
از سال ۱۳۵۷، پس از انقلاب اسلامی، قوانین کیفری ایران در حیطه جرایم جنسی با تغییرات بنیادینی روبرو گردید. روابط جنسی خارج از ضوابط شرعی و ازدواج، تحت عنوان جرم مطرح شد. قانون گذار، رابطه جنسی بین مرد و زن (بدون جاری شدن صیغه ازدواج دائم یا موقت) را جرم انگاشته و هیچ تعریفی از تن‌فروشی (روسپی‌گری) ارائه نمی‌دهد. در این قوانین، مجازات زنان تن‌فروش در صورت اثبات جرم، با مجازات زنا یکسان است و نقش دریافت پول و دیگر زمینه‌ها و شرایط متفاوت‌کننده‌ی تن‌فروشی با زنا، نادیده گرفته شده است. به دلیل خلأ قانونی و نیز یکسان گرفتن شرایط و احکام تن‌فروشی و زنا، در قوانین فعلی مجازات زن روسپی متأهل، سنگسار و مجازات شوهر قوادش که خود دست همسرش را در دست مشتریان می‌گذارد، ۷۵ ضربه شلاق خواهد بود! (ر.ک. به پیوست شماره ۶)

• قوانین سایر کشورها:^{۲۹}

تقریباً تمام کشورها، روسپی‌گری اطفال را ممنوع و غیرقانونی اعلام کرده‌اند. اما در مورد تن‌فروشی زنان و دختران، در کشورهای مختلف، قوانین متفاوتی وجود دارند. نمونه‌هایی از قوانین کشورهای

سازمان ملل در سال ۱۹۵۱ با تصویب بیانیه‌ای اعلام کرد که کسانی که روسپی‌گری را سازماندهی می‌کنند و یا از فعالیت‌های روسپیان نفع می‌برند را محکوم می‌کند اما خود روسپی‌گری را جرم نمی‌انگارد. جمعا ۵۳ دولت عضو سازمان ملل، به صورت رسمی این بیانیه را پذیرفته‌اند؛ هرچند که قوانین هر یک از این کشورها درباره روسپی‌گری تفاوت‌های بسیاری با هم دارد.

پیمان‌نامه سازمان ملل علیه جرایم سازمان یافته‌ی داد و ستد انسان، به ویژه زنان و کودکان. (ایتالیا، پالمو، ۱۲-۱۵ دسامبر ۲۰۰۰)



(۲۶) روزنامه شرق، شماره ۷۰۷، به تاریخ ۸۴/۱۲/۷، صفحه ۲۶ (جامعه)

(۲۷) هادی معتمدی، مدیرکل دفتر آسیب‌های اجتماعی بهزیستی کشور در سال ۸۴ اعلام کرده بود که چهارهزار زن خیابانی در کشور وجود دارد که بهزیستی تنها قادر است سالانه ۱۵۰۰ نفر از آنها را سامان دهدی کند. (<http://www.khabaronline.ir/detail/292795/society/social-damage>)

(۲۸) خبرگزاری افکارنیوز، ۸ آبان ۱۳۸۹، (<http://www.afkarnews.ir/vdcb.gb.urhbw.iupr.html>)

(۲۹) مطالب این قسمت برگرفته است از: "روسپی‌گری: قوانین و واقعیت‌ها"، جک موریس، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۵، سال دوم، شماره ۵، ص ۲۵۳-۲۶۲.

آرژانتین:

در آرژانتین، تن‌فروشی به لحاظ قانونی جرم محسوب نمی‌شود. مطابق با اصل ۱۹ قانون اساسی آرژانتین:

«اعمال خصوصی‌ای که به هیچ وجه تجاوز به نظم و اخلاقیات عمومی محسوب نمی‌گرددند یا خسارتی به شخص ثالثی وارد نمی‌کنند، کنار گذاشته می‌شوند تا خداوند در مورد آن‌ها قضاوت کند. اما درخواست تن‌فروشی^{۳۰}، معاونت یا همدستی با یک تن‌فروش و استفاده از درآمد او و راه اندازی روسپی‌خانه غیرقانونی است. (قوانین در هلند، نیوزلند، و سنگال نیز تقریباً به همین شکل اند).

مصر:

تن‌فروشی غیرقانونی و مجازات آن زندان است. اما طبق قوانین مصر، اگر مردی به همراه یک زن تن‌فروش دستگیر شود، زندانی نمی‌گردد و حتی می‌توان از شهادت او برای محکومیت و زندانی نمودن زن تن‌فروش استفاده کرد!

ترکیه:

تن‌فروشی در ترکیه، قانونی است و روسپی‌خانه‌های دولتی در نقاط معینی از شهر وجود دارند. روسپی‌گری برای صاحبان روسپی‌خانه‌ها، بسیار پر سود است و در سه سال گذشته^{۳۱}، بیشترین پرداخت‌کننده‌ی مالیات در ترکیه، صاحبان روسپی‌خانه‌های استانبول بوده‌اند!

پرو:

در پرو، تن‌فروشی در روسپی‌خانه‌های دارای مجوز، قانونی است. این مراکز تن‌فروشی، به وسیله وزیر کشور اداره و کنترل می‌شوند. روسپیان باید به وسیله‌ی دولت ثبت شده و کارت شناسایی داشته باشند و هر پانزده روز، کارت کنترل سلامت خود را ارائه دهند. دولت از راه دادن مجوز به روسپی‌خانه‌ها، کسب درآمد می‌کند.

سوئد؛ تجربه مبارزه با تن‌فروشی: برای قرن‌ها این کلیشه گفته شده است که "تن‌فروشی همیشه بوده و خواهد بود"؛ اما سوئد کشوری است که تنها در طول پنج سال توانسته است با تصویب برخی قوانین و اجرای طرح‌های جامع، شمار زنان تن‌فروش را به طرز چشمگیری کاهش دهد.

پیش از تصویب مجموعه قوانین جدید، رویه‌ی جاری به این شکل بود که پلیس شماری از زنان تن‌فروش را دستگیر می‌کرد و به نظام قضائی کشور تحویل می‌داد. اما علی‌رغم این گونه اقدامات، کماکان همان اوضاع پیشین ادامه داشت.

پس از سال‌ها تحقیق و مطالعه، سوئد در سال ۱۹۹۹ قانون فعلی را تصویب کرد که بر پایه آن، "خرید سکس" جرم محسوب می‌شود، اما فروش آن به هیچ‌وجه جرم نیست. در نگاه دولتمردان سوئد، پدیده‌ی تن‌فروشی در حقیقت "خشونت و بهره‌کشی از زنان و کودکان" است (نه صرفاً گناه شخص تن‌فروش و فساد اخلاقی او) و در واقع مردی که از زنی سکس می‌خرد، مرتکب جرم می‌شود. به همین خاطر در سوئد با بیشتر زنان تن‌فروش به مثابه "قربانی" رفتار می‌شود؛ قربانیانی که نیاز به کمک و یاری دارند.

علاوه بر تصویب قوانین جدید، دولت سوئد به منظور تغییر ذهنیت نسبت به مسأله‌ی تن‌فروشی، به آموزش عموم مردم پرداخت. هم‌چنین، نیروهای پلیس، دادستان و کارکنان نظام قضائی، افسران درجه پایین و تمامی افراد مرتبط با این مسأله، برای درک بهتر این قوانین، آموزش‌های گسترده‌ای دیدند.

جهانگردی جنسی

به سفرهای تفریحی و توریستی ای که علاوه بر سرگرمی و وقت‌گذرانی‌های مرسوم، با هدف ارضای جنسی توریست‌ها و بهره‌برداری آن‌ها از روسپیان مقصد، صورت می‌گیرد، "جهانگردی جنسی" می‌گویند. در بسیاری موارد، چنین هدفی به طور غیر صریح وجود دارد و اغلب از بیان علنی و رسمی آن، خودداری می‌شود.

جهانگردی جنسی (توریسم جنسی) در نقاط مختلف جهان وجود دارد؛ برای مثال در تایلند و فیلیپین. توره‌های دربست، که هدفشان معطوف به فحشاست، مردان را از اروپا، امریکا، ژاپن و سایر نقاط دنیا به این نواحی می‌کشاند. اعضای جنبش‌های زنان آسیایی، اعتراضاتی عمومی علیه این توره‌ها سازمان داده‌اند، ولی این گونه توره‌ها همچنان ادامه دارند.

منشأ توریسم جنسی در شرق آسیا به تدارک روسپی برای سربازان امریکایی در طی جنگ‌های کره و ویتنام بر می‌گردد. به این منظور، مراکز موسوم به "استراحت و تفریح" در تایلند، فیلیپین، ویتنام، کره و تایوان ایجاد گردیدند. در سال ۱۹۷۴، پلیس تایلند تخمین زد که ۴۰۰ هزار زن روسپی در تایلند، در خدمت ارتش نظامی امریکا در جنگ علیه ویتنام به خدمت گرفته شده‌اند. در سال ۱۹۹۳، یک مقام غیررسمی اعلام کرد که در تایلند، درآمد بومی و ملی دو میلیون روسپی، وابسته به توریسم جنسی است.

هر ساله، ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار توریست با عنوان توریست جنسی (Sex Tourist) وارد تایلند می‌شوند. واژه‌ی واقعی برای توریسم جنسی، توریسم روسپی‌گری است. از این رو باید گفت که یک بخش بسیار مهم مسئله‌ی تن‌فروشی، مشتریان آن هستند. در حقیقت بازار روسپی‌گری را مشتریانی که متقاضی روابط جنسی هستند به وجود می‌آورند.

منابع:

۱- آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صوری، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۳، ص ۲۳۰.

۲- "روسپیگری؛ تجاوزی مسلم به حقوق بشر"، ص ۲۶۸.



یک تن‌فروش ویتنامی، سایگون، پایگاه نیروهای نظامی امریکا، ویتنام جنوبی، نوامبر ۱۹۶۷

۳۰ جرمی است که به موجب آن فرد تن‌فروش شروع به شکار مشتریان در خیابان‌ها یا مکان‌های عمومی می‌کند؛ هم‌چنین مردی که در یک مکان عمومی به طور مکرر از زنی درخواست تن‌فروشی یا رفتارهای غیراخلاقی نماید.

۳۱ تاریخ چاپ این مقاله در فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۵ (۲۰۰۶-۲۰۰۷) است. با این حال تاریخ نگارش مقاله توسط نویسنده‌ی خارجی می‌بایست متفاوت باشد.

دولت سوئد بودجه قابل ملاحظه‌ای به منظور حمایت از این طرح اختصاص داد تا علاوه بر راهکارهای مشخصاً قانونی و آموزش جامعه، تمهیدات مهم دیگری نیز در این زمینه فراهم شود. به موجب این تمهیدات، خدماتی اجتماعی و امکاناتی مالی به منظور کمک به تن‌فروشان در نظر گرفته شد. در نتیجه‌ی اجرای این طرح، تن‌فروشی در استکهلم، پایتخت این کشور، دو سوم کاهش یافته است و در دیگر شهرهای بزرگ نیز به‌طور کامل حذف شده است. این درحالی است که در سه دهه گذشته، به سبب قانونی بودن تن‌فروشی، روسپی‌خانه‌ها در سوئد رشد زیادی کرده بودند. هم‌اکنون شمار زنان خارجی‌ای که برای تن‌فروشی به سوئد قاچاق می‌شوند، بسیار کاهش یافته است. مقامات دولتی در سوئد تخمین می‌زنند که در ظرف سال‌های گذشته، تنها ۲۰۰ تا ۴۰۰ زن و دختر در هر سال، به این کشور قاچاق شده‌اند. این آمار در مقایسه با ۱۵ تا ۱۷ هزار زن و دختری که به کشور همسایه، فنلاند قاچاق شده‌اند، رقم ناچیزی است. در حال حاضر بر اساس نظرسنجی‌های موجود، ۸۰ درصد مردم مدافع عملکرد دولت در این زمینه هستند و علاوه بر آن خود نیروهای پلیس و مجریان قانون که به‌طور مستقیم با این طرح درگیر هستند نیز از آن حمایت می‌کنند.^{۳۲}

در سال ۲۰۰۳، دولت اسکاتلند که به دنبال بازنگری رویکرد خود به مسأله‌ی تن‌فروشی بود، از دانشگاه لندن خواست تا تحقیقی فراگیر درباره‌ی نتایج سیاست‌های سایر دولت‌ها در مواجهه با مسأله‌ی تن‌فروشی انجام دهد. محققان دانشگاه لندن، علاوه بر سوئد، کشورهای استرالیا، ایرلند و هلند را نیز انتخاب کردند. در این کشورها، تن‌فروشی آزاد و قانونی است.

بر طبق تحقیق دانشگاه لندن، کشورهایی که برای مدیریت مسأله‌ی تن‌فروشی، اقدام به آزاد و قانونی کردن آن کرده بودند، با نتایج نهایی بسیار ناامیدکننده‌ای روبرو گشته‌اند. بر اساس این تحقیق، قانونی کردن تن‌فروشی، به گسترش چشمگیر تمامی جنبه‌های فروش سکس، افزایش جرایم سازمان‌یافته در این زمینه، افزایش شمار کودکان تن‌فروش، افزایش میزان قاچاق زنان و دختران خارجی و نیز افزایش قابل ملاحظه خشونت علیه زنان منجر شده است. علاوه بر آن، تحقیقات نشان داده است تن‌فروشان‌ی که در سیستم‌های قانونی کار می‌کنند در ادامه فعالیت خود دچار احساس اجبار و ناامنی در کسب و کار می‌شوند. (http://justicewomen.com/cj_sweden.html)

فاحشه زیر باران

فاحشه زیر بارانی

چترش را بر زمین بست؛

: «در بست!»

پلک‌هایت را ببند!

چشم‌هایت را شبانه مخفی کن

حرف‌ها خیس اند

دست‌نوشته‌ها خیس اند

- پول‌ها خشک -

نامه‌ها را شبانه مخفی کن

اشک را مخفی کن

کودکان به دنیای ما نمی‌آیند!^{۳۳}

۳۲) با اقتباس از سایت عدالت زنان (http://justicewomen.com/cj_sweden.html)

۳۳) شعر: نرجس فلاحي

* سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست،
هیچ بنده‌ای به من ایمان نیاورده در حالی که
شب را سیر بخوابد و برادر (یا همسایه‌ی)
مسلمانش گرسنه باشد.
رسول خدا(ص)

* به خدا سوگند به بهشت وارد نمی‌شوید مگر
آنکه ایمان بیاورید و ایمان نمی‌آورید مگر آنگاه
که یکدیگر را دوست داشته باشید.
رسول اکرم(ص)



- ۱- موضوع مهمی که این نوشته مجال پرداختن به آن را نیافته و به طور کلی تحقیقات اجتماعی برای بررسی آن دچار مشکلات بسیاری هستند، مسئله‌ی مشتریان زنان تن‌فروش است. مشتریان تن‌فروشی، یکی از عوامل مهم ادامه‌ی چرخه‌ی تن‌فروشی هستند و شناخت آنها، موقعیت، معضلات و انگیزه‌های-شان می‌تواند در کند ساختن یا توقف این چرخه‌ی سرشار از تباهی موثر واقع شود.
- ۲- در مورد این خبر به سایت‌های خبری متعددی می‌توان رجوع کرد از جمله: <http://www.jahannews.com/vdcb·fb·rhzap.uiur.html> ، <http://www.khabarkhani.com> ، <http://www.khanehamn.org/archives/۱۸۰۴> (در مطلبی با عنوان "شایع‌ترین جرم درون زندان زنان چیست؟") و
- نهاد مسئول اعلام آمار زنان تن‌فروش، وزارت کشور است. اگرچه مسئولیت نگهداری از زنان خیابانی با بهزیستی است، سازمان بهزیستی وزارت کشور را تنها مرجع رسمی اعلام آمار زنان تن‌فروش می‌داند. با تمام این احوال، وزارت کشور تاکنون درباره تعداد این زنان و دختران، اظهار نظری نکرده است. مسئولان وابسته به وزارت کشور، یعنی نیروی انتظامی، عمدتاً به تکذیب سایر آمارهای اعلام شده می‌پردازند. البته گاه برخی از مسئولان آمارهایی ما بین هزار تا چهار هزار نفر را اعلام می‌کنند اما این آمارها تنها مربوط به افراد دستگیر شده یا مراجعه‌کننده به مراکز نیروی انتظامی یا بهزیستی است نه تمامی زنان تن‌فروش کشور.
- ۳- نهادهایی که با مسئله‌ی اعتیاد زنان درگیر هستند، در بعضی موارد ناچار با مسئله‌ی زنان تن‌فروش نیز روبرو می‌شوند. یکی از سازمان‌های فعال در زمینه-ی اعتیاد زنان، "خانه خورشید" نام دارد. خانه خورشید، نخستین مرکز گذری کاهش آسیب اعتیاد زنان (DIC) است که از بهمن ماه ۱۳۸۵ فعالیت خود را در مناطق محروم تهران آغاز کرده است. هدف این مرکز، ارائه خدمات و حمایت‌هایی در زمینه‌ی درمان و بازتوانی زنان معتاد به صورت رایگان است و تحت نظارت سازمان بهزیستی به کار خود ادامه می‌دهد. خانم لیلا ارشد، مددکار و مدیرعامل خانه خورشید در مصاحبه‌ای با روزنامه اعتماد می‌گوید: "[...] آسیبی که از بابت اعتیاد به این زنان [معتاد] وارد شده به مراتب سخت‌تر از مردان معتاد است چرا که این زنان بارها مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند و حتی همسران‌شان در قبال مقدار ناچیزی پول آنها را می‌فروشند."
- مشیدی، دانشجوی رشته مددکاری و از فعالان خانه‌ی خورشید، نیز می‌گوید: "خانه خورشید یک تیم سیار دارد که به منطقه می‌روند و زنان معتاد و آسیب‌دیده را شناسایی و تشویق می‌کنند که به خانه خورشید بیایند. اعتماد این زنان به سختی جلب می‌شود چرا که همیشه ترس دارند به پلیس معرفی شوند. بسیاری از این زنان از کودکی و حتی توسط پدران‌شان مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند و در خانواده‌های معتاد بزرگ شده‌اند." [۳۴] www.khanekhorshid.ir جهت آشنایی بیشتر با مرکز خانه خورشید می‌توانید به سایت رسمی این مرکز مراجعه نمایید.
- ۴- "در بررسی‌ای که در سال ۸۵ درباره گروه سنی زنان خیابانی انجام شد، از بین شش‌هزار و ۵۳ زن خیابانی که در کل کشور زندانی بودند، بیشترین تعداد را دختران بین ۱۵ تا ۲۵ سال تشکیل می‌دادند." (<http://www.khabaronline.ir/detail/۲۹۳۷۹۵/society/social-damage>) هم چنین بنا به گفته‌های سعید مدنی، میانگین سنی زنان تن‌فروش کاهش یافته و گروه‌های جوان‌تری وارد این حرفه شده‌اند. "در سال ۱۳۴۷ یافته‌ها از میانگین سنی ۳۱ سال برای زنان تن‌فروش خبر می‌داد اما در سال ۱۳۸۷ ما به میانگین ۲۷-۲۶ سال رسیده‌ایم." برای سن شروع تن‌فروشی نیز مدنی میانگین سن شروع را ۲۲-۲۱ سالگی می‌داند. (رجوع کنید به <http://www.bahaneh.net> گفتگو با سعید مدنی). شهین علیایی زند نیز در تحقیق خود اعلام نمود که سن آغاز روسپی‌گری در ۶۲ درصد از زنان تن‌فروش، ۱۳ تا ۲۰ سالگی است؛ یعنی دوره‌ی نوجوانی و جوانی. ("ازدواج نامناسب؛ بستری زمینه‌ساز برای روسپی‌گری"، شهین علیایی زند، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۵، سال دوم، شماره ۵، ص ۱۳۵).
- ۵- «کسی که دیگری را، اعم از ذکور و اناث، به منافیات عفت وامی‌دارد یا وسایل ارتکاب را برای او فراهم می‌نماید به حبس تأدیبی از یک الی سه سال محکوم می‌شود». (قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴، باب سوم: در جنحه و جنایت نسبت به افراد، فصل پنجم: هتک ناموس و منافیات عصمت، ماده ۲۱۰).
- این قانون در سال ۱۳۱۲ به این شکل اصلاح گردید: «هر کس علناً مرتکب عملی شود که منافی عفت است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌نماید به حبس تأدیبی از یک ماه تا یک سال و یا به تأدیه‌ی ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.» (قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۱۲، قانون اصلاح مواد ۲۰۷ الی ۲۱۴ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، ماده واحده، فصل پنجم: در جنحه و جنایت بر ضد عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی، ماده ۲۱۰).
- هم چنین ماد ۲۱۱ از همین قانون این چنین است:
- «اشخاص ذیل به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال و تأدیه‌ی غرامت از ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند:
- ۱- کسی که عادتاً جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را اعم از ذکور و اناث به فساد اخلاق و یا شهوت رانی تشویق کند یا فساد اخلاق و یا شهوت رانی آنها را تسهیل نماید.
- ۲- کسی که عادتاً دیگری را اعم از ذکور و اناث به منافیات عفت وادارد و یا وسایل ارتکاب را برای آنها فراهم سازد.

۳- قواد و یا کسی که فاحشه خانه ای دایر و یا اداره کند و یا زنی را برای شهوت رانی غیر اجیر نماید.

۴- [...]

اگر مرتکب یکی از جرم های فوق شوهر یا پدر یا مادر یا قیم یا یکی از اشخاص دیگر مذکور در قسمت اخیر بند الف ماده ۲۰۷ باشد، به دو سال تا چهار سال حبس مجرد محکوم خواهد شد. [...]

در بند ب ماده ی ۲۱۳ همین قانون نیز درباره ی جرم قاچاق جنسی زنان ایرانی به خارج از کشور بحث شده است. هم چنین در مواردی که بزه دیده کمتر از ۱۸ سال تمام سن داشت، مرتکب جرم نسبت به او، به حداکثر مجازات محکوم می شد.

به نقل از پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کشور، قوه قضائیه، روزنامه ی رسمی کشور: (<http://www.dastour.ir>)

۶- نظام قانونی فعلی ایران اساساً در مورد پدیده ای با عنوان تن فروشی یا روسپی گری (برقراری ارتباط با مردان متعدد در ازای دریافت پول) ساکت است. بنابراین در حال حاضر، تنها مواد قانونی که نظام قضایی برای برخورد با تن فروشان از آنها استفاده می کند، قوانین مربوط به «زنا» (برقراری رابطه جنسی خارج از چارچوب شرع به دلایل مختلف) و «جرایم ضدعفت و اخلاق عمومی» است.

بدون شوهر بودن بیشتر تن فروشان، فرض زنا ی محصنه را در مورد روابط آنها منتفی می کند. بنابراین بیشتر تن فروشان، به اتهام زنا ی غیرمحصنه یا به اتهام هایی نظیر برقراری روابط نامشروع یا انجام دادن عمل منافی عفت غیر از زنا (مثل تقبیل یا مضاجعه) بازداشت می شوند. مجازات زنا ی غیرمحصنه برای زن روسپی ۱۰۰ تازیانه است. (ماده ی ۸۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰)

فروش زنان از جانب همسران شان، در قالب زنا ی محصنه طبقه بندی می شود و مجازات آن سنگسار است. (بند ب، ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰)

در قوانین ایران قوادی (پاندازی) جرم است و مجازات دارد: «حد قوادی [جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط] برای مرد، ۷۵ تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یک سال و برای زن [قواد] فقط ۷۵ تازیانه است» (ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰). **پس در حالی که روسپی شوهردار ممکن است تا پای سنگسار برود، شوهر قواد او تنها ۷۵ تازیانه خواهد خورد.** (البته مجازات واسطه گری فحشا تا سه مرتبه ۷۵ ضربه شلاق و حداکثر ۳ ماه تبعید و پس از آن، مجازات مبادرت نمودن به قوادی برای بار چهارم، اعدام است).

